

میلادالاستغاثه

خدایی جز او نیست، پس از درگاه او به کجا می‌روید؟



روزنامه میلاد لارستان - سال بیست و پنجم
مهر ماه ۱۳۹۶ - محرم الحرام ۱۴۳۶ - ۱۳ آبان ۲۰۱۷
شماره ۱۱۱۰ - شماره ۹۶ / ۷ / ۱۰ - صفحه
تک شماره ۱۰۰۰ تومان - در لارستان ۷۰۰ تومان

۳ درخشش ۴ کشتی گیر لارستانی در رقابت های قهرمانی جوانان استان فارس

۲ فرماندار لامرد: تهدات بزرگ حوزه راه و شهرسازی موجب رونق لامرد شده است

۱ اقامه نماز ظهر عاشورا در لار

۱ توزیع ۱۴۰ تن غذای نذری در لارستان

- ۲** معرفی کمیسیون ها و کمیته های شورای اسلامی شهر لار
- ۲** کسب رتبه اول استانی واحد بهداشت، درمان و امور بیمه امداد لارستان
- ۳** کسب نشان طلای مسابقات پاور لیفتینگ قهرمانی توسط ورزشکار اوزی
- ۴** عموی آب ها
- ۷** میراث فرهنگی محور ساسانی در فارس

عاشورا ، مهدویت و ولایت فقیه از اصول عزت بخش شیعیان است



معمر؛ ماه یکبار چگی، انسجام و وحدت

شهادت فرزندزاده رسول خدا وحدت سپاه حق با قَلتِ عَدَه و عُدَه و شکست سپاه باطل را با همه کینکبه و دب دبه نشان داد آنهایی که بصیرت حقیقی داشتند از صبح عاشورا و قبل از فاجعه جانگداز شهادت حسین(ع) و خاندان و یارانش می‌دانستند که پیروز این میدان حقیقی کیست و شکست خورنده واقعی این فاجعه چه قومی است که:

در معرکه دو کون فتح از عشق است زیرا که سپاه او شهیدند همه اما آنهایی که بصیرت کمتری داشتند با شهادت این بزرگواران و اسارت آل رسول به این نتیجه رسیدند و علیرغم اختناق صد در صدی جامعه، با یزیدیان سازش نکردند و پرچم مخالفت را برافراشتند.

با گذشت چهل روز از شهادت اهلبیت پیامبر علم مخالفت از کاخ یزید هم بلند شد و در صحبت‌های آن پلید، به ظاهر ندامت و پشیمانی آشکار شد.

این مسأله یک طرف قضیه است وقتی می‌گوییم امام علی(ع) برای حیای دین جدش پیامبر (ص) قیام فرموده و از سخنان گهربار خود حضرت هم چنین برمی‌آید، نتیجه شهادت باید بسیار گسترده‌تر از این باشد به این معنی که همین‌طور که رسول خدا(ص) با حرکت خویش ندای توحید و آزادی از اسارت طاغوتیان را جهانی ساخت، حسین(ع) نیز با شهادت خود این ندا را احیا نمود و به جهانیان اعلام کرد که: «یا مشرک آل ابی سفیان ان لم تکن لکم دین فکنتم لاتخافون المعاد فکونوا احرارا فی دنیاکم»

ای پیروان آل ابی سفیان اگر دین ندارید و از روز بازپسین شما را واهمه‌ای نیست پس در دنیا آزادمرد باشید.

مشاهده می‌شود که امام(ع) راه نجات را دینداری و عاقبت‌اندیشی می‌دانند سپس می‌افزایند که اگر این مهم را ندارید لاقبل آزادمرد باشید.

به هر حال نکته‌ای که از قیام حضرت اباعبدالله الحسین(ع) به دست می‌آید این که حق از باطل آشکار شود و انسان‌ها در همه اعصار و قرون حق را بشناسند و در مسیر باطل حرکت نکنند.

این درس را امام(ع) به همه انسان‌ها دادند لذا پیروی از مسیر حسین بن علی(ع) نه تنها برای همه مسلمانان بلکه برای همه انسان‌ها بهترین راه و شایسته‌ترین مسیر سعادت حقیقی است.

وقتی گاندی رهبر هند می‌گوید من راه حسین(ع) را برای مردم هند انتخاب کردم نشان می‌دهد که مسیر حسین(ع) جهانی است و جهانیان باید پیام حسین(ع) را بشنوند و وظیفه ما در این رابطه بسیار سنگین است.

ادامه دارد

صفحه ۸

آگهی مزایده فروش قطعات مسکونی

شهرداری لار در نظر دارد به استناد مجوز شماره ۱۳۲۳-۵۹/۹/۱۵-شورای اسلامی شهر لار قطعه زمین هایی به پلاک ثبتی مندرج در جدول ذیل با کاربری مسکونی به متراژهای مندرج در جدول ذیل طبق آئین نامه مالی شهرداری و شرایط زیر به فروش رساند لذا از متقاضیان محترم دعوت به عمل می آید پس از واريز وجه سپرده تا تاریخ معین شده در بند ۶ آگهی، پیشنهاد مبلغ خود را به همراه فیش سپرده به دبیرخانه شهرداری تحویل نمایند.

- ۱- مبلغ واريزی بابت سپرده شرکت در مزایده مطابق با مبالغ مندرج در جدول ذیل میباشد که بایستی به صورت فیش واريزی به حساب شماره ۱۰۰۷۹۰۲۲۹۷۶۶ بانک شهر شهرداری لار و یا ارائه ضمانت نامه بانکی معتبر به همان مبلغ واريز گردد
- ۲- حداقل قیمت پایه زمین مورد نظر به ازای هر متر مطابق با مبالغ مندرج در جدول ذیل است.
- ۳- در صورت برنده شدن و استنکاف از معامله سپرده نفرات اول تا سوم به نفع شهرداری ضبط میگردد
- ۴- شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مجاز و مختار است و به پیشنهادهای خارج از موعد مقرر یا مخدوش ترتیب اثر نخواهد شد.
- ۵- هزینه برگزاری مزایده به عهده برنده مزایده خواهد بود.
- ۶- آخرین مهلت شرکت در مزایده پایان ساعت اداری ۹۶/۰۷/۲۰ و تاریخ بازگشایی پاکتها مورخه ۹۶/۰۷/۲۲ میباشد.
- ۷- متقاضیان محترم می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و اخذ مدارک مربوطه به واحد امور قراردادهای و یا شماره تماس ۰۷۱-۵۲۳۳۹۴۹۰ تماس حاصل فرمایند.

ردیف	شماره پلاک ثبتی	کاربری	مساحت قطعه متر مربع	قیمت هر متر مربع (ریال)	قیمت هر قطعه (ریال)	سپرده واريزی (ریال)	محل ملک
۱	۴۱۳۹/۵۲۵	مسکونی	۴۲۶/۹	۶/۶۰۰/۰۰۰	۲/۸۸۳/۵۴۰/۰۰۰	۱۴۴/۱۷۷/۰۰۰	بلوار سعیدی روبروی مجتمع میلاد
۲	۴۱۳۹/۵۰۳	مسکونی	۲۹۵/۲	۶/۵۰۰/۰۰۰	۱/۹۱۸/۸۰۰/۰۰۰	۹۵/۹۴۰/۰۰۰	بلوار سعیدی روبروی مجتمع میلاد
۳	۴۱۳۹/۴۹۷ الی ۴۱۳۹/۴۹۹	مسکونی	۲۰۵	۶/۲۵۰/۰۰۰	۱/۲۸۱/۲۵۰/۰۰۰	۶۴/۰۶۲/۵۰۰	بلوار سعیدی روبروی مجتمع میلاد
۴	۴۱۳۹/۵۴۰	مسکونی	۳۱۱/۳	۶/۰۰۰/۰۰۰	۱/۸۶۷/۸۰۰/۰۰۰	۹۳/۳۹۰/۰۰۰	بلوار سعیدی روبروی مجتمع میلاد
۵	۴۱۳۹/۴۹۶	مسکونی	۲۱۲/۷	۶/۲۵۰/۰۰۰	۱/۳۲۹/۳۷۵/۰۰۰	۶۶/۴۶۸/۷۵۰	بلوار سعیدی روبروی مجتمع میلاد
۶	۴۱۳۹/۴۹۴	مسکونی	۲۳۳	۶/۲۵۰/۰۰۰	۱/۳۹۶/۹۰۰/۰۰۰	۶۹/۸۴۵/۰۰۰	بلوار سعیدی روبروی مجتمع میلاد
۷	۴۱۳۹/۴۹۱	مسکونی	۲۹۴/۷	۶/۰۰۰/۰۰۰	۱/۴۵۶/۲۵۰/۰۰۰	۷۲/۸۱۲/۵۰۰	بلوار سعیدی روبروی مجتمع میلاد
۸	۴۱۳۹/۵۴۱	مسکونی	۳۰۰/۵	۶/۰۰۰/۰۰۰	۱/۸۰۳/۰۰۰/۰۰۰	۹۰/۱۵۰/۰۰۰	بلوار سعیدی روبروی مجتمع میلاد
۹	۴۱۳۹/۵۰۲	مسکونی	۲۰۵	۶/۲۵۰/۰۰۰	۱/۲۸۱/۲۵۰/۰۰۰	۶۴/۰۶۲/۵۰۰	بلوار سعیدی روبروی مجتمع میلاد

چاپ نوبت اول: ۹۶/۰۷/۰۳
چاپ نوبت دوم: ۹۶/۰۷/۱۰
محمد رضا قنبرنژاد - شهر دار لار

سفره خانه سنتی شهرزاد

محیطی آرام بخش، همراه با غذاهای متنوع و با کیفیتی مطلوب آماده پذیرایی از همشهریان و مهمانان گرامی می باشد.

جزیره قشم، چهارراه پردیس به سمت ورزشگاه، روبروی مجتمع فردوسی
۰۹۱۷۷۸۲۹۶۸۶ - مدیرمسئول: سعیدی

توجه

مرکز ترک اعتیاد نیروی برتر جویم لارستان

با مجوز رسمی از سازمان بهزیستی استان به مناسبت ماه محرم تا اربعین حسینی دوره سم زدایی را با حضور دکتر ، روانشناس ، مددکار و مددیار خانواده به قیمت ۳۵۰ هزار تومان ، با مدیریت «رضایی» و روانشناس «مردی» انجام می دهد.

شماره تماس: ۰۹۱۷۲۵۳۶۹۸۹ - ۰۹۳۹۷۴۷۴۴۲۸

آرین محبی زاده

من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق

پسر مهربور و مومن علی اکبر می‌ام
رفیق و با هم خودت را بجای بر می‌ام؟
آرین جان بر تم تمخ خدا حافظی است
می‌پارم بر تو یک گدول با دمی‌ام

بدینوسیله کمال احترام و قدردانی خود را از بذل محبت‌ها و الطاف خالصانه تمام عزیزان و سرورانی که در مراسم تشییع، تدفین و ترحیم بیسیجی عزیزمان

شرکت نموده‌اند و موجب تسلی خاطر بازماندگان و وابستگان را فراهم کرده‌اند، خاضعانه سپاسگزاریم؛ همچنین از نیروهای گردان امام حسین(ع) لار، هیأت امناء مساجد و حسینیه‌ها، مجتمع معلولین فجر، تپ ۳۳ المهدی جهرم، ادارات و کلیه عزیزان از شهرستان‌های همدان ، بندرعباس، جهرم ، داراب، گراش و... تشکر می‌نمایم.

امید است همگان مشمول عنایات خاصه ذات اقدس باری تعالی و اولیای الهی قرار گیریم.

خانواده محبی زاده و کلیه فامیل‌های وابسته

شهادت پیامبر کربلای عشق
و امام مناجات و عرفان حضرت سید الساجدین
امام زین العابدین علیه السلام، تسلیت باد

الله مالک علی بن حسین

منبر

علامه سید محسن امین

علامه سید محسن امین، از صاحب نظران بزرگ متأخر (۱۲۸۴ - ۱۳۷۱ ق)، با بررسی موقعیت امام حسین علیه السلام به این نتیجه می رسد که تنها راهی که می توانست اسلام را از رکود و نابودی نجات دهد، اقدام به قیام و استقبال از شهادت بوده است. وی در این باره می نویسد: «به هر حال شهادت امام حسین علیه السلام ... به عنوان وسیله ای برای جاودان نگه داشتن مکتب و محکوم ساختن دشمن تنها راه حل منطقی عاقلانه ای بود که با توجه به مشکلات موجود از انجام دادن آن گریزی نبود و جز آن راه دیگری وجود نداشت. با این بیان روشن می شود که چگونه امام حسین علیه السلام با فدا کردن جان خود و خاندان و فرزندان عزیزش دین جد خویش رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را پاسداری کرد و شک نیست که جز با شهادت امام حسین علیه السلام هرگز پایه های حکومتی بنی امیه متزلزل نمی شد»



کفایت از شب یلدا دازتر؛ پیداست که شام غریبان زبیده اند...



نام معشوق مبر، نزد من از عشق مگو
عشق دیر است که در پیچ و خم «عباس» است
عمومی آب ها

سلام بر تو و بر کربلای بزرگی که در لب هایت خلاصه شده است. سلام بر «عمومی آب ها». سلام بر عمویی که تا فرات رفت و در آغوش باران زاده شد. کاش آب فرات برای همیشه از حرکت باز می ایستاد که سقای تشنه کامت تا ابد شرمنده حسین (ع) نمی شد. سلام بر پیراهنی که بوی غربت پدر را می داد، همان غربتی که کوچه های تنگ کوفه آن را خوب می شناختند. ای اشک-ها سرازیر شوید شاید اشک ریختن کمترین کاری است که برای جبران آبروی از دست رفته ی آب سرازیر می شود. ای اشک ها همچنان بریزید تا فرات شرمنده ی خیمه گاه نباشد. ای اشک، صدای التماس آب را از دهان فرات بشنو که تا ابد مجرم بی گناه کربلاست. عموی آب ها، بر خیز و لب های خشکیده ات را بر لب های فرات بگذار تا از وجودت سیراب شود. ای زخم خورده ی نینوا، دستانت را پشتوانه ی آب ها کن تا با شجاعت به

کره خون

دو هاست، ولی فرصت گفتاری نیست
عازم قافله را قافله سالاری نیست
بگذارد با نم بر برش یک اشب
تا نگویند بر این کشته غزاداری نیست
پای یک طفل نینوی که بر از خون نشده
دیده بکشاکش به باغ گل بی حاری نیست
بر تو هر زخم مت کره کند کره خون
کس نکوید ز غمت دیده خونباری نیست
غم اطفال فراری به میان چه خوری
عمد با ماست گویی که مددکاری نیست
آفتاب و عیش و داغ، همه سوزان یک
غیرت بر سر سیمار، پرستاری نیست
علی انسانی

از مدینه تا کربلا همراه با کاروان (۱)

زمان: جمعه دهم محرم الحرام ۶۱ هجری
امام حسین (علیه السلام) با یارانش نماز صبح را به جماعت خواند و سپس با آنها چنین سخن گفت: «... خدا به شهادت من و شما فرمان داده است. بر شما باد که صبر و شکیبایی را پیشه خود سازید.»
حضرت «زهیر بن قیس» را فرمانده راست سپاه، و حبیب بن مظاهر را فرمانده چپ سپاه گمارد و پرچم را به دست برادرش عباس (علیه السلام) سپرد. گروه سپاه دشمن به خیمه ها نزدیک می شد، ولی حضرت تیری نینداخت چون می فرمود: دوست ندارم که آغازگر جنگ با این گروه باشم.» عمر بن سعد تیر را بر کمان نهاده و به سوی باران امام انداخت و گفت: گواه باشید که اول کسی بودم که به سوی لشکر حسین تیر انداختم! سپس سپاهیان عمر بن سعد تیر بر کمان نهاده و از هر طرف باران امام حسین (علیه السلام) را نشانه رفتند. امام (علیه السلام) فرمود: «یاران من! بپایخیزید و به سوی مرگ (شهادت) بشتابید، خدا شما را بیامرزد.» در حمله اول چهار تن شهید شدند و سپس یاران باقی مانده هر کدام به نوبت به تنهایی به میدان رزم شتافتند و به شهادت می رسیدند و بعد از آنها نوبت به خاندان بنی هاشم رسید و آنها نیز شربت شهادت را نوشیدند. امام حسین (علیه السلام) که یکه و تنها مانده بود، نگاهی به اجساد مطهر شهدا کرده و آنها را صدا می کرد. حضرت برای وداع آخر به سوی خیمه ها آمد، آنگاه در حالی که شمشیرش را از غلاف بیرون آورده بود در برابر دشمن قرار گرفت و جنگ نمایانی کرد. دشمن از هر طرف وی را محاصره نمود، ناگاه تیری سه شعله به قلب مبارکش اصابت کرد و در حالی که یکصد و چند نشانه تیر و نیزه بر پیکرش بود، نقش بر زمین گشت و روح مبارکش به ملکوت اعلی پیوست. اما شیون زنان، کودکان و حتی فرشتگان الهی بلند شد.

روایت هایی از ده مرد کربلا

مردی که سود نداشت!
فایده، کلمه ای این همه بی معنی نشده بود که ظهر آن روز شد. مرد گفت: «پسر رسول! با تو عهد کرده بودم تا فایده دارم بمانم.» پسر رسول، نشست به کنار تن خونی آخرین نفری که رفته بود میدان و سر و رویش غرق در خاک و عرق بود.
مرد گفت: «تنها دو تن از یارانت مانده اند. پایان معلوم شده.» پسر رسول چیزی نگفت. صدای مرد آهسته تر شد: «در ماندن من سودی نیست آقا! بگذارید بروم.»
پسر رسول سر بلند نکرد. فقط گفت: «کاش زودتر رفته بودی!»
لحنش ناگهان نگران شد: «اسبی نمانده. از این سپاه عظیم چطور پیاده می گذری؟»
از همین جا که نشسته بود، کنار تن خونی آخرین یار، دید که مرد سود و زیان، اسبش را پیش تر لابلای خیمه ها پنهان کرده، دید که مرد سوار شد و دید که دور شد...

ضحاک بن قیس مشرقی

شمس الشمس

همین که روز بر آن دشت، طرحی از شب ریخت
هزار کوه مصیبت به دوش زینب ریخت
نظاره کرد چو «شمس الشمس» بی سر را
به گوش گوش فلک، ناله ناله یارب ریخت
جهان برای همیشه سیاه شد چون شب
ز چشم های ترش حرقه داشت گوگب ریخت
چه بودیت تا آشکار ساقی غم؟
که جام زینب غم دیده را لبالب ریخت
کشاد کرب و بلار با شام و بام فلک
هزار فصل طراوت به باغ نزهت ریخت
زبان های کلاش بر جان دم سردان
شراره ها شد و آتش نشانی از تب ریخت
اگر همیشه بماند بر این جهان
نمی رنزد بر آن اشک تا که زینب ریخت
سعید بیابانکی

یاران امام حسین (علیه السلام)

عمرو بن جناده انصاری
پس از آن که جناده بن حارث به شهادت رسید، همسر وی از پسرش عمرو خواست که او نیز چون پدرش از خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم دفاع کند. عمرو در پی درخواست مادر به حضور امام حسین علیه السلام آمد و از آن حضرت اجازه خواست تا به میدان برود. امام علیه السلام اجازه ندادند و فرمودند: «شهادت پدرت برای مادر تو بسیار سخت است. اگر برای تو مشکلی پیش آید یقیناً مادرت بیش از حد ناراحت می شود.»
عمرو گفت: «یا ابا عبدالله، مادرم مرا به حضورتان فرستادند تا اجازه جنگ از شما بگیرم.» نقل کرده اند وقتی این جوان به شهادت رسید دشمن سر او را از تن جدا کرده به سوی مادرش که ناظر جنگ فرزند بود انداخت. آن مادر فداکار سر او را از زمین برداشت و خون از چهره او پاک کرد و گفت: «ای نور دیده ام، ای آرامش دلم، آفرین بر تو که به وظیفه ات خوب عمل کردی» و سپس آن سر را به طرف لشکر دشمن انداخت و گفت: «ها وقتی چیزی در راه خدا تقدیم کردیم آن را هرگز پس نمی گیریم.»

محمد رضا فارابی

امام حسین علیه السلام و آیه تطهیر

فاطمه علیه السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام نازل و اله وسلم نازل شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم مصداق کنند که گفته است: «این آیه در منزل حسین علیه السلام ذکر کردند. من عرض کردم آیا من نیز مصداق این آیه هستم؟ حضرت فرمودند: تو در طریق خیر و منزلت خاص خودت قرار داری؛ اما مصداق اهل بیت نیستی.»

بازگشت خاندان امام حسین علیه السلام به کربلا

خاندان ابا عبدالله الحسین (ع) پس از آزادی و بازگشت از شام، در میان راه تغییر مسیر داده و به جای رفتن به مدینه، به سوی کربلا روان شدند. آنان هنگامی وارد سرزمین کربلا شدند، که جابر بن عبدالله انصاری و عده ای از دوستان اهل بیت علیهم السلام در آن جا به سوگوارانی مشغول بودند.
ملحق شدن خاندان امام حسین علیه السلام به سایر سوگواران، حالت ویژه ای در سرزمین کربلا به وجود آورد و زیارت امام حسین علیه السلام به طور آشکار و لعن و نفرین کردن بر قاتلان آن حضرت، صحرای کربلا را طنین انداز کرد و سد شیطانی بزیاد و عبیدالله بن زیاد در دشمنی با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را شکست و سیل ابراز محبت و دوستی به اهل بیت علیهم السلام به ویژه نسبت به امام حسین علیه السلام در میان مسلمانان به راه افتاد و دشمنان را به رسوایی کشانید.
حضور جابر بن عبدالله انصاری در کربلا، موجب گردید که سایر دوستان اهل بیت علیهم السلام، اعم از بنی هاشم و وابستگان به بیت رسالت و امامت، و اهالی کوفه و بصره، به طور گروهی و انفرادی وارد کربلا شدند و به سوگوارانی پرداختند.



نویسنده: محبوبه وحیدیان
کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی



نامه ای به تشنه ترین شهید کربلا

سلام ای فرشته کوچک شش ماهه مامانم بهم گفته هر وقت آب خوردی تشنه بود و تشنه شهید شد. من هر وقت آب میخورم میگم سلام بر حسین و بعدش یواش میگم سلام بر علی اصغر. آخه میدونی آدم بزرگا تحملشون خیلی بیشتره. اگه خیلی تشنه باشن باز میتونن طاقت بیارن ولی بچه های کوچولو مثل تو که نمیتونن مثل بزرگترا باشن. به خاطر همین من همیشه بعد از آب خوردن به تو هم سلام میدم چون میدونم توی کربلا تو از همه تشنه تر بودی.



شهید کوچک

از توی خرابه های شام، صدای به کودک به گوش می رسید. همه اونایی که در میون اسرا بودن، می دونستن که این صدای رقیه، دختر کوچک امام حسین. اون حالا از خواب بیدار شده بود و سراغ پدرش رو می گرفت. اون انگار خواب پدرش رو دیده بود. اون وقت یزید، کسی که دستور داده بود امام حسین و یارانش رو به شهادت برسونه، دستور داد سر امام حسین علیه السلام رو به دختر کوچولو نشون بدن. وقتی حضرت رقیه علیهاالسلام سر بریده پدرش امام حسین علیه السلام رو دید، با فریاد و ناله خودشو روی سر بریده پدرش انداخت و همون جا، روحش به سوی آسمون آبی پرواز کرد. سلام ما به روح بلند او.

فصل پاییز

سارا دختر خوبی است. او فصل زیبای پاییز را خیلی دوست دارد. وقتی برگ درخت ها رنگارنگ می شود، سارا می گوید طبیعت خیلی زیبا شده است. در فصل پاییز، برگ درخت ها کم کم زرد، نارنجی، قرمز، و قهوه ای می شود و می ریزد و تمام کوچه ها و خیابان ها پر از برگ های رنگی می شود. سارا دوبدن روی برگ درخت ها را خیلی دوست دارد او از صدای خش خش آن ها لذت می برد. سارا با جارو و خاک انداز برگ های حیاط خانه شان را جمع می کند و داخل باغچه می ریزد تا به کود گیاهی تبدیل شود. سارا می داند در فصل پاییز پرند ه دسته دسته به سرزمین های گرمسیر می روند. او می داند به این کار پرندگان کوچ می گویند. ارا از دیدن دسته ی پرند ه ها که با سر و صدای کوچ می کنند، لذت می برد. او احساس می کند پرند ه ها هنگام کوچ کردن همگی با او خداحافظی می کنند او هم با خوش حالی برای آن ها دست تکان می دهد و می گوید: به سلامت. وقتی سارا با پدر و مادرش به گردش می رود، همیشه یک چتر و لباس گرم با خودش بر می دارد، چون می داند در فصل پاییز هوا ناگهان ابری می شود و باران می بارد و باد سرد می وزد. سارا اولین فصل پاییز که اول مهر ماه است را خیلی دوست دارد، چون در این روز، مدرسه ها باز می شوند و سارا به مدرسه می رود. او چند هفته قبل از اولین روز مدرسه

اردوی تفریحی

قرار بود جمعه از طرف مدرسه به یک اردوی تفریحی برویم. محلی که برای اردو انتخاب شده بود یکی از کوه های زیبا و معروف بود که رودخانه های زیبا از میان آن عبور می کرد. بی صبرانه برای رسیدن آن روز لحظه شماری می کردم. بالاخره جمعه آمد و من تمام وسایلم را جمع کرده بودم. مادرم برای صبحانه و ناهار برایم غذا گذاشته بود و خودم هم بدمیتونم را برداشتم تا آن جا با دوستانم بازی کنم. در مدرسه همه جمع شدیم و با هم به سمت کوه حرکت کردیم. مدتی پیاده روی کردیم تا به یک رودخانه رسیدیم می خواستیم آن جا بنشینیم و صبحانه مان را بخوریم که دیدیم بطری ها و باقیمانده ی غذاهایی که اطراف رودخانه ریخته فضایی برای نشستن باقی نگذاشته. دوست نداشتم آن جا بنشینم به خاطر همین پیشنهاد کردم که از آن جا برویم و جایی بهتر پیدا کنیم. اما دیدم که یکی از دوستانم یک چوب شروع به جمع آوری زباله ها کرده و بقیه ی بچه ها هم به کمک او رفتند اولش دوست نداشتم به آن ها کمک کنم چون آشغال ها را ما نریخته بودیم که حالا باید جمع می کردیم و لی بعد دیدم که این کار من به نفع خودم و طبیعت است من هم یک پلاستیک برداشتم و به آن ها کمک کردم. بعد از تمام شدن کار از دیدن آن منظره ی زیبا واقعاً خوشحال شدم و با بچه ها بساط صبحانه را مهیا کردیم و همانجا نشستیم و از طبیعت زیبا لذت بردیم. موقع برگشت به خانه با خودم فکر می کردم که اگر هر کسی مواظب رفتار خود باشد و با طبیعت با بی رحمی رفتار نکند چقدر همه چیز و زیبا و دوست داشتنی می شود.

سربند یا حسین

روز مادرم
پیشانی مرا
با «یا حسین» بست
یک دفعه بغض من
با رسته های انگ
در کوبیم ها شکست
وقت ازان ظهر
من سجده می رویم
بر خاک کربلا
این یا حسین سبز
کرده ست سربند
پیشانی مرا



اما من قابل باز شدن نیستم و از این استعمال غلط باید پرهیز کرد. منبع: کتاب غلط ننویسیم نویسنده: ابوالحسن نجفی

چگونه بنویسیم (بیست و هشتم)
بنویسیم: لوط (قوم) - لوطی - مسائل - مستثنا - مصفا - ملاط - ملافه - منتها - منشآت - لوت (کوبر)
فونوسیم: لوت - لوتی - مسایل - مستثنی - مصفی - ملات - ملحفه - منتهی - منشآت - لوط
منبع: کتاب چگونه بنویسیم نویسنده: علی اعوانی

می کنید» (جلال آل احمد، یک چاه و دو چاله) عجب اشعار زشتی ساز کردی عجب مشت خودت را باز کردی (ابرج میرزا)

گاهی این دو اصطلاح را باهم خلط می کنند و به جای اصطلاح دوم می گویند: «مچ کسی را باز کردن» «مچ پسر حاجی را پیش حاجی و آ می کرد» (اسلام کاظمیه، قصه های کوچمه دلخواه) «چیزی که مهم است باید نشان داد که دزد زبردستی هستی که به آسانی مچت باز نمیشود» (صادق هدایت، حاجی آقا)

غلط ننویسیم
مچ کسی را باز کردن
مشت کسی را باز کردن

مچ کسی را گرفتن یعنی «کسی را در حین ارتکاب جرم دستگیر کردن». «موقعی که می خواست نامه را از لای در توی خانه بیندازد مامورین کارآگاهی که پشت در نشسته بودند مچش را گرفتند» (بزرگ علوی، نامه ها)

اما مشت کسی را باز کردن «مقاصد پنهان کسی را بر ملا کردن و او را رسوا ساختن». «شما با این آرزوی مرگ و سقوط ... که برای من می کنید مشت خودتان را باز



آقای علی محمدیان فرزند عزیز	آقای گل محمدی فرزند اکبر	آقای گل محمدی فرزند اکبر	آقای سید سمیرا موسوی فرزند سیدحسین	آقای علی محمدیان فرزند عزیز
به شرح درخواستی که به کلاس ۹۶/۲۸۴/۶ این شورا ثبت گردیده درخواست صدور گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مرحومه فاطمه ملایی فرزند احمد به شناسنامه ۹۲ صادره از حوزه شهری اوز در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۳۰ در اقامتگاه دائمی خود شهر اوز بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصر است به ۱-زریبا تابنده فرزند اسدا... ش ش ۴۸۸۳ ت ت ۱۳۴۵ صادره از ح شهری لارستان - اوز ۲-مهرداد تابنده فرزند اسدا... ش ش ۱۲۱ ت ت ۱۳۴۶ صادره از ح ۲ لارستان - اوز ۳-زریبا تابنده فرزند اسدا... ش ش ۵۲۲۴ ت ت ۱۳۴۸ صادره از ح شهری - اوز ۴-لیلا تابنده فرزند اسدا... ش ش ۵۳۶۰ ت ت ۱۳۵۱ صادره از ح شهری لارستان - اوز ۵-هنظا تابنده فرزند اسدا... ش ش ۵۸۲۸ ت ت ۱۳۵۷ صادره از ح شهری لارستان - اوز ۶-ندا تابنده فرزند اسدا... ش ش ۵۷۹ ت ت ۱۳۶۵ صادره از ح لارستان - اوز فرزندان متوفی ۷-غلامرضا ملایی فرزند احمد ش ش ۸۱ ت ت ۱۳۲۵ صادره از ح لارستان - اوز برادر متوفی ۸-تابنده فرزند مرحوم محمدابراهیم ش ش ۳۳۵۸ ت ت ۱۳۰۹ صادره از ح شهری لارستان - اوز همسر متوفی ۹-زریبا ملایی فرزند احمد ش ش ۲۱۰ ت ت ۱۳۳۳ صادره از ح ۲ لارستان - اوز خواهر متوفی ولاغیر...	به شرح درخواستی که به کلاس ۹۶۰۲۵۰ این شورا ثبت گردیده درخواست صدور گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مرحوم میرزا گل محمدی فرزند گل محمد به شناسنامه ۳۰ صادره از لارستان در تاریخ ۱۳۹۶/۶/۲۳ در اقامتگاه دائمی خود شهرستان لارستان بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصر است به ۱-مریم میرزا فرزند محمود ش ش ۲۵۰۰۵۹۵۹۹۴ لارستان ۲-ماریا میرزا فرزند محمود ش ش ۲۵۰۰۷۴۳۴۸۹ لارستان ۳-گل محمد میرزا فرزند اکبر ش ش ۷ لارستان پدر متوفی ۴-گل بس طالبی فرزند اکبر ش ش ۳۴ لارستان مادر متوفی ۵-راحله میرزا فرزند اسمعیل ش ش ۱۴۷۶ لارستان همسر متوفی ولاغیر...	به شرح درخواستی که به کلاس ۹۶/۲۹۴/۶ این شورا ثبت گردیده درخواست صدور گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مرحومه قمرتاج بحرانی فرزند سیدعلی به شناسنامه ۱۸۱ صادره از فیروزآباد در تاریخ ۹۶/۴/۱۴ در شهرستان گراش بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصر است به ۱-سیده صفورا موسوی فرزند سیدحسین ش ش ۱۱۷۹ ت ت ۱۳۶۴ صادره از ح شهری فیروزآباد ۲-سیدعلی محمد موسوی فرزند سیدحسین ش ش ۴۶۱ ت ت ۱۳۶۷ صادره از ح ۴ فیروزآباد - هنگام ۳-سیده سمیرا موسوی فرزند سیدحسین ش ش ۱۸۲۹۶ ت ت ۱۳۷۰ صادره از ح فیروزآباد - هنگام ۴-سیدعلیرضا موسوی فرزند سیدحسین ش ش ۲۴۴۰۴۴۴۵۰۲ ت ت ۱۳۷۵ صادره از ح قیر - هنگام فرزندان متوفی ۵-سیدحسین موسوی فرزند سیدابوالقاسم ش ش یک ت ت ۱۳۴۱ صادره از ح مرکزی قیر و کارزین - هنگام همسر متوفی ۶-شمسی موسوی فرزند سیدحسین ش ش ۷ ت ت ۱۳۱۹ صادره از ح ۴ فیروزآباد - پاکزاده مادر متوفی ولاغیر...	به شرح درخواستی که به کلاس ۹۶/۲۸۴/۶ این شورا ثبت گردیده درخواست صدور گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مرحومه فاطمه ملایی فرزند احمد به شناسنامه ۹۲ صادره از حوزه شهری اوز در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۳۰ در اقامتگاه دائمی خود شهر اوز بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصر است به ۱-زریبا تابنده فرزند اسدا... ش ش ۴۸۸۳ ت ت ۱۳۴۵ صادره از ح شهری لارستان - اوز ۲-مهرداد تابنده فرزند اسدا... ش ش ۱۲۱ ت ت ۱۳۴۶ صادره از ح ۲ لارستان - اوز ۳-زریبا تابنده فرزند اسدا... ش ش ۵۲۲۴ ت ت ۱۳۴۸ صادره از ح شهری - اوز ۴-لیلا تابنده فرزند اسدا... ش ش ۵۳۶۰ ت ت ۱۳۵۱ صادره از ح شهری لارستان - اوز ۵-هنظا تابنده فرزند اسدا... ش ش ۵۸۲۸ ت ت ۱۳۵۷ صادره از ح شهری لارستان - اوز ۶-ندا تابنده فرزند اسدا... ش ش ۵۷۹ ت ت ۱۳۶۵ صادره از ح لارستان - اوز فرزندان متوفی ۷-غلامرضا ملایی فرزند احمد ش ش ۸۱ ت ت ۱۳۲۵ صادره از ح لارستان - اوز برادر متوفی ۸-تابنده فرزند مرحوم محمدابراهیم ش ش ۳۳۵۸ ت ت ۱۳۰۹ صادره از ح شهری لارستان - اوز همسر متوفی ۹-زریبا ملایی فرزند احمد ش ش ۲۱۰ ت ت ۱۳۳۳ صادره از ح ۲ لارستان - اوز خواهر متوفی ولاغیر...	به شرح درخواستی که به کلاس ۹۶/۲۵۴ این شورا ثبت گردیده درخواست صدور گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مرحوم عزیز محمدیان فرزند حسین به شناسنامه ۲ صادره از لارستان در تاریخ ۹۲/۴/۱۴ در اقامتگاه دائمی خود شهرستان لارستان بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصر است به ۱-عبدالحامید محمدیان فرزند عزیز ش ش ۴۷۱ لارستان ۲-ابوب محمدیان فرزند عزیز ش ش ۷۳۶۶ لارستان ۳-محمد محمدیان فرزند عزیز ش ش ۶۶۶ لارستان ۴-حسین محمدیان فرزند عزیز ش ش ۱۳ لارستان ۵-علی محمدیان فرزند عزیز ش ش ۳۶ لارستان ۶-اسماعیل محمدیان فرزند عزیز ش ش ۶۲۵ لارستان ۷-تاجالدین محمدیان فرزند عزیز ش ش ۵۹۸ لارستان ۸-زینب محمدیان فرزند عزیز ش ش ۱۱ لارستان فرزندان ۹-فاطمه احمدی فرزند محمد ش ش ۱۱ لارستان همسر ولاغیر... اینک شورا پس از انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ انتشار آگهی طرف یک ماه به این شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد. قاضی شورای حل اختلاف شعبه اول لارستان م / الف / ۷۰۸

در ایام سوگواری سالار شهیدان

مصاحبه با پیرغلام حسینی شهر لار



بحث پخت و یز در ایام محرم، سنتی است که البته از دیدگاه شرع مقدس و روایات بسیار مورد تأکید قرار گرفته اما شرایط و ضوابط آن هم باید رعایت شود تا پسندیده‌تر و دور از اسراف باشد.

محل برپا می‌شد، توانستیم اسب بعدی را بگیریم اما گفته بودند که اسب چموش و سرکشی است. شخصی به نام محمد صادق نمازی پور که خدمتگزار آموزش و پرورش لار بود، نقش امام زین العابدین (ع) را بر عهده داشت که روز عاشورا در حال بیماری بوده‌اند. او را بر همان اسب سوار خواباندند و پایش را به زیر شکم اسب بستند؛ بعد از اجرای بخشی از شبیه‌خوانی در کوچه پس‌کوچه‌ها، قرار شد کار تمام شود... اسب را که رها کردند، افسارش را به دست خود آقای نمازی پور دادند تا برود؛ متأسفانه پای او را هم از زیر شکم اسب باز نکردند! و اسب در حال سرکشی آن بیچاره را بر زمین زده بود و بعد از مدتی او را پیدا کردند که فوت کرده بود!

در پایان صحبت‌ها، این پیرغلام امام حسین، به سخنی از آیت الله آیت‌اللهی (ره) اشاره می‌کند که در جواب بعضی مردم که خواسته بودند هر محله در مسجد یا حسینیه خودشان برنامه عزاداری برگزار کنند، گفته بودند: «هرگز نباید این عزاداری سنتی لاری را از بین ببرید و مخصوصاً در روز عاشورا همه باید به خیابان‌ها بیایند و مراسم سینه‌زنی را به نحو باشکوهی اجرا کنند.» او شعری را هم به عنوان حسن ختام صحبت‌ها می‌خواند: «در قلب بشر، مونس و دمساز حسین است/ در خلوت دل، محرم اسرار حسین است/ از مردم دنیا مطلب حاجت خود را/ درخواست از او کن که سبب ساز حسین است/ در حفظ و نگهداری قرآن محمد/ سرباز سرفراز فداکار حسین است»

مغرب و عشا) به خیابان‌ها می‌آمدند و سینه‌زنی یا روضه شروع می‌شد؛ البته همیشه در ابتدا سخنرانی و روضه‌خوانی بوده تا مردم کسب معرفت کنند و سپس عزاداری و سینه‌زنی بوده و خوشبختانه حدود ساعت ۱۰ شب هم برنامه‌ها تمام می‌شد. او هم همچون آقای رحیمی تأکید می‌کند در زمان قدیم به منزل حاج کرابلی توکلی و منزل نوروزی اشاره کرد.

حاج یوسف هدایتی پس از نام بردن از بعضی نوحه‌خوانان مشهور آن زمان، یعنی «آخوند زینل»، «حاجی جمالی»، «استوار پیش‌بین» و «دارا بدر»، از رسوم عزاداری آن روزها بیشتر براین‌ها می‌گوید: «آن زمان چون مشغولیتی مثل تلویزیون هم نبود، مردم خیلی زود (بعد از نماز

جمع می‌شدند، ما بچه‌ها را راه نمی‌دادند!»
مراسم، روضه، سخنرانی و سینه‌زنی در هر شهر و دیاری داغ است، شهر ما نیز با پیشینه‌ی کهن و شیوه‌ی خاص عزاداری برای خود، گرم زنده نگه داشتن نام و یاد بزرگمرد آیتار و شجاعت و تقواست؛ حضرت حسین بن علی (علیه السلام).

پس از گفت‌وگویی مفصل و خواندنی با حاج رحمت الله رحیمی یکی از دلدادگان حسینی از محله‌ی «گاله» (دگل) که یکی از محلات «حیدری» لار به‌شمار می‌آید، پس از چند روز پای سخن یکی دیگر از خادمان ابا عبدالله (ع) نشستیم که از معتمدان شهرستان است و عضوی از محلات «نمتی».

حاج یوسف هدایتی، زمانی در شورای اسلامی شهر لار عضو و از فعالان فرهنگی بوده، در سال ۱۳۱۳ شمسی در محله‌ی «نو» به دنیا آمده است؛ هرچند خودش می‌گوید که مدت زمانی هم در محله‌ی «آردفروشان- کوی سادات» ساکن بوده‌اند. (گفتنی است محله‌ی آردفروشان در آن زمان دارای ۵ کوی بوده: کوی «سادات»، «مسجد جامع»، «مسگری»، «صاحب‌الزمان» و «شاه سلطان عباس»)

او در کتب و گفتنی کوتاه اما صمیمانه با یعقوب موحدی، ضمن بیان ویژگی‌ها و خاطراتی از عزاداری امام حسین در روزگار قدیم این شهر، به سابقه‌ی ارادت خود به سرور شهیدان و آزادگان جهان اشاره می‌کند: «از روزهای کودکی در حالی که ۵ سال بیشتر نداشتم در سینه‌زنی شرکت می‌کردم، اما در نهایت برای اسراف آن که در یک خانه یا حسینیه

من نوکر بادمجان نیستم

هفته بعد باز نوبت به خورش بادمجان رسید و از آن جایی که خوب پخته نشده بود پادشاه از آن انتقاد کرد تا نظر پیشخدمت را هم بشنود و پیشخدمت هم بادمجان را به یاد انتقاد گرفت. در این هنگام پادشاه برآشفتم و گفت: «ای آدم دروغ گو، تو قبلاً از بادمجان تعریف می‌کردی و از فواید آن سخن‌ها می‌گفتی، پس چه شد که اکنون آن را به یاد انتقاد گرفته‌ای؟»

پیشخدمت خندید و در جواب گفت: «قربان، من نوکر بادمجان نیستم من نوکر قبیله عالم هستم. هرچه را که قبیله عالم بیسند مورد پسند من است. اگر طرفدار بادمجان بودم از آن جهت بود که قبیله عالم از آن خوشش آمده بود و امروز به پیروی از عقیده و سلیقه سلطان وظیفه دارم که دشمن آن باشم!»



پیگیری ثبت جهانی بازار قیصریه به صورت یک مجموعه تاریخی

تبریز توانست زودتر از دیگر بناها ملاک‌های ثبت را فراهم کند. مدیر پایگاه میراث فرهنگی لار، با بیان اینکه تلاش می‌شود که مجموعه بازار یا پروژه

به گزارش میلاد لارستان؛ خشایار شبیانی در گفت‌وگو با خبرنگار تسنیم؛ با بیان اینکه ثبت جهانی بازار قیصریه از سال ۲۰۰۷ متوقف مانده است، اظهار داشت: در حال حاضر با توجه به شرایط پیش آمده ثبت بازار به صورت تک بنا امکان پذیر نیست و بهتر است به صورت یک مجموعه برای ثبت آن اقدام کرد.

وی با بیان اینکه تعلل از سال ۲۰۰۷ تاکنون یکی از دلایل این امر است، گفت: علاوه بر آن ثبت جهانی بازار تبریز نیز یکی از دیگر از موانع ثبت بازار به صورت تک بنا است چراکه در ثبت جهانی بازارها بازار

دیگری از لار را برای ثبت جهانی آماده کرد، افزود: مجموعه بازار، میدان، آب‌انبارها و بافت تاریخی ایده‌آل‌ترین شیوه برای ثبت جهانی است.

در سال ۲۰۰۷ ثبت



گردشگری معنوی، اشاعه فرهنگ حسینی



چنین برنامه‌ای را مبارزه با ایران هراسی و اسلام هراسی و مهمتر از همه اشاعه فرهنگ حسینی و عاشورایی و پیوند و صلح میان تمام ادیان می‌داند.

در واقع معرفی امام حسین(ع) به جهانیان به عنوان یک فرد آزاده که در راه هدفش تمام هستی و خانواده اش را فدا می‌کند تا رسم آزادی و آزادگی و تسلیم نشدن در مقابل ظلم، در دنیا طنین افکن شود و جمله معروف این حضرت که می‌فرمایند اگر دین ندارید، لاقال آزاده باشید را به گوش جهانیان برسانند و ذهنیت مخدوش شده در رابطه

ذهن‌ها را مخدوش کرده و تصاویر بسیار ناپسندی را از خود به جا گذاشته است.

چندسالی است که کمیته گردشگری معنوی برای اولین بار در ایران در استان یزد با همکاری تمام نهاد های زیربط ، با هدف اشاعه فرهنگ حسینی و عاشورایی تشکیل شده است.

این کمیته تورهایی رایگان با راهنمای افتخاری در دهه اول محرم و دهه آخر صفر برای بازدید از آیین های خاص عزاداری سرور و سالار شهیدان در این استان برگزار می کند. رییس این کمیته هدف از اجرای

میراث فرهنگی محورسانی در فارس

مورخین به وضوح و زیبایی از آن یادشده و یکی از مفاخر ممتاز ویی نظیر دوران باستان و ملی ایرانیان محسوب می‌گردداز نظر کارشناسان باستان شناسی اداره کل استان فارس فراموش شده است؟! آیا استحقاق مطالعه وارزیابی وبه حساب آمدن را نداشته است !؟

بنابا اطلاعات از روابط عمومی میراث فرهنگی استان فارس وتائید میراث فرهنگی شهرستان لارستان، پروژه ای در دست بررسی واجرا دارد تحت عنوان((میراث فرهنگی محورسانی درفارس)) که قراراست توسط باستان شناسان ومجربان امورکشور واستان به ثبت جهانی رسیده واز تسهیلات مالی چندین میلیارد تومانی برای هر اثر زیرنظر یونسکوبرخوردار گردد!!

از ۳ آتشکده بزرگ دوره ساسانیان درایران ویکی از معروف ترین اثر تاریخی

استان فارس بعداز تخت جمشید(آتشکده بزرگ آذرفرنبغ کاربان کهن)) در اجرای این طرح نادیده گرفته شده است!؟

استان فارس بعداز تخت جمشید(آتشکده بزرگ آذرفرنبغ کاربان کهن)) در اجرای این طرح نادیده گرفته شده است!؟

فایز آباد وکاخ سروسن استان فارس می گردد و قراراست که علاوه بر ثبت جهانی این ۳ اثر بازممانده از دوران باستان از جانب یونسکو برای هر یک نیز به منظور احیا وبازسازی وتبديل به قطب جذب گردشگری میلیاردها تومان اعتبارمالی تخصیص یافته وهزینه شود!!

آیا محور میراث فرهنگی ساسانی موردنظر اداره کل میراث فرهنگی استان فارس بایدفقط شامل ۳ اثر یادشده بشود؟! چرا زیرکانه یکی از ۳ آتشکده بزرگ دوره ساسانیان درایران ویکی از معروف ترین اثر تاریخی استان فارس بعداز تخت جمشید(آتشکده بزرگ آذرفرنبغ کاربان کهن)) در اجرای این طرح نادیده گرفته شده است!؟

سردار نوروزی



گروه آورنده: ابوذر سوری، کارشناس ارشد مدیریت و برنامه ریزی جهانگردی

